



درباره محسنی که دیگر مهندس نیست ممنوع السپاس!

آذر نالین ۱۱

جمعی از اندیشمندان و صاحب نظران:

روان جمعی ما پریشان است

شهر نوشت ۶

نگرانی هادر خصوص پیوستن به یک معاهده بین المللی بالا گرفت

FATF در پیچ و تاب تصویب

در طی سی سالی که از عمر FATF یا همان گروه ویژه اقدام مالی می گذرد، مردم ایران هیچگاه به اندازه این روزها نام آن را نشنیده بودند. پیوستن ایران به این سازمان بین دولتی که کارش مبارزه با پولشویی است هم داستانی شده؛ داستانی شبیه به برجام یا همان دو دسته گی ها، همان تقابل ها، همان طومار ها و امضا جمع کردن ها و هشدار ها و ...

سیاست ۲

نامزد ریاست جمهوری عراق:

خطر انشقاق

در کمین کرده است

جهان ۴

دولت، توافق سه جانبه کمیته دستمز در نادیده گرفت

پرداخت صدقه به جای افزایش حقوق کارگران

دسترنج ۷



تشدید فقر عمومی با احتکار کالا در خانه ها

فقر اقتصادی یا فقر فرهنگی؟

«از دحام جمعیت روی به روی هایپرمارکت تو جهم را به خود جلب کرد. مردی میانسال در فروشگاه را نشان می داد و می گفت اجازه نمی دهم قوطی های رب را از این مغازه خارج کنیم. خانم میانسال می گفت پول رب را از این مغازه بپردازد. مرد در می خواهد آنها را داخل اتومبیلش بگذارد. مرد در برابر اصرار خانم جوان گفت: هیچ اشکالی ندارد اگر این ۳۰ قوطی رب از مغازه خارج شود با تعزیرات تماس می گیرم و مغازه دار باید پاسخگو باشد که چرا در این شرایط به یک نفر ۳۰ قوطی رب می فروشد؟» شاید شما هم مثل من، در روز های اخیر با چنین صحنه هایی مواجه شده اید. عده ای از هموطنان در واکنشی هیجانی به گرانی ها با مراجه به فروشگاه ها، تقاضا برای برخی اجناس را بالا می برند. این ماجرا چندی پیش برای پوشک کودکان نیز پیش آمد و این ماه موضوع به رب گوجه فرنگی کشیده شد. اما افزایش تقاضا برای خرید برخی اجناس و خالی شدن فروشگاه ها از این اجناس چه پیامدی به دنبال دارد؟ ...

چرتکه ۳



سامسونگ SAMSUNG

تلویزیون QLED

نهایت رنگ، زیبایی زندگی

فقط با ضمانت ۵ ساله سرویس ۰۲۱-۸۲۵۵

سر مقاله

افیون بی تفاوتی!

خیلی از ما حساسیت خود را نسبت به بسیاری از مسایلی که دور و برمان می گذرد از دست داده ایم و بی تفاوت شده ایم. راننده ای خلاف می کند و عبور ممنوع آمده است، به او راه می دهیم تا به مسیرش ادامه دهد و ما اعتراض نداریم. فردی در خیابانی یاریک دوبله پارک کرده، ترافیک شدیدی به وجود آورده است، آرام و با احتیاط از کنار وی عبور می کنیم اما اعتراض نداریم، طرف زباله را از داخل خودرو به بیرون پرتاب می کند، اعتراضی نداریم، در اوج خشکسالی و کم آبی جلوی چشم ما همسایه مان مقابل خانه اش را بالذتی خلسه آور آب پاشی می کند، اعتراض نداریم، در سوپرمارکت و جلوی چشم ما فردی چرخ دستی خریدش را از رب گوجه فرنگی، روغن مایع، کنسرو و اقلامی که این روزها بی دلیل کمابش شده اند پرت کرده است، اعتراض نداریم، به ما گران می فروشد، اعتراض نداریم، نمی فروشد اعتراض نداریم، بنا بر آمار جهانی بیشترین اسراف و هدر رفت انرژی در ایران روی می دهد، اعتراض نداریم و تمام این اعتراض نداشتن ها و بی تفاوتی ها را با یک جمله کلیشه ای توجیه می کنیم که «به ما چه مربوط، مگر پی در پی می گردیم؟» طنز ماجرا آنجاست که در قانون شکنی و دور زدن قانون با شسور و حرارتی و صف ناشدنی به کمک هم می آییم و یک همبستگی شدید میان ما در دور زدن قانون شکل می گیرد. کافی است یک روز پلیس در انتهای خیابانی که عبور ممنوع است بایستد تا اندگانی را که خلاف آمده اند جریمه کند، به راحتی می بینیم تمام هو تروسو را می که عیور می کنند به سایر رانندگانی که در حال خلاف هستند اما هنوز در تور پلیس نیافتاده اند به هر طریق ممکن خبر می دهند که پلیس جریمه می کند، اما کسی خود را موظف نمی داند به پلیسی که برای بهبود اوضاع آنجا ایستاده است کمک کند. این روز ها کشور در اوج یک جنگ سرد به سر می برد. جنگ اقتصادی، جنگ روانی در کنار سوء مدیریت داخلی و فقدان سرمایه اجتماعی و فقر شدید فرهنگی در میان برخی از شهروندان شرایط بسیار خطرناکی را به وجود آورده است که اگر بخواهیم نسبت به اوضاع و احوال اطرافمان بی تفاوت باشیم و از خود واکنشی نشان ندهیم قطعاً همه مادر آتشی که شعله ور خواهد شد می سوزیم و آنگاه است که می فهمیم «همه این ها به ما مربوط بود!» نمی توان در این شرایط حساس بی تفاوت نشست و به کمک دولت مردان، گیریم بی تدبیر و ندانم کار،

نیامد. تعداد این افراد که در مثال های فوق بر شمر دم زیاد نیست شاید در مقایسه با جمعیت شهر و کوجه و محله بسیار اندک و قلیل باشند که هستند اما با رفتار ناپخر دانه ای که از خود بروز می دهند اثر مخرب بسیار عظیمی در روان و امنیت روانی جامعه ایجاد می کنند و دل های بسیاری را می ارزانند. تصور کنید سوپرمارکت محله شما امروز نیز طبق معمول همیشه ۵۰ قوطی رب گوجه فرنگی سفارش داده، آن را از طریق شبکه توزیع دریافت کرده، در قفسه ها چیده است و می داند این مقدار طی دو روز تمام می شود به همین دلیل سفارش بعدی او دو روز دیگر از راه می رسد. اگر در محله شما سه نفر وجود داشته باشند که تمام این ۵۰ قوطی رب را ظرف یک ساعت خریداری کنند چه اتفاقی روی می دهد؟ شما که احتیاج به خرید پیدا کرده اید به این مغازه مراجعه می کنید و مشاهده می کنید رب گوجه فرنگی ندارد و تادو روز دیگر هم نخواهد داشت، نگرانی وجودتان را فرامی گیرد و به مغازه محله بعدی می روید و چون ترسیده اید بیش از نیازتان خرید می کنید، افراد دیگری هم که در محله بعدی زندگی می کنند دچار همین حالت می شوند و این تسلسل ادامه دارد. به یکباره یک کالای مصرفی که ممکن است ارزش حیاتی هم نداشته باشد نایاب می شود و قیمت آن به یکباره با وج می گیرد. کارخانه تولید کننده ناگهان با حجم انبوهی از تقاضا مواجه می شود، امانتی تواند یک شبه ظرفیت تولید خود را افزایش دهد، تازه به این فکر می افتد اگر چنین تقاضایی وجود دارد چرا احتکار نکند و محصول خود را با قیمت بالاتری به بازار عرضه نکند. مشاهده می شود اقدام ناپخر دانه و ناشایست عده ای بسیار قابل در شرایط حساس فعلی که در اوج جنگ سرد علیه کشور مان به سر می بریم تاجه انداز می تواند مخرب باشد و ترس و نگرانی را در جامعه رواج دهد. جامعه ترسیده و عصبی به یقین رفتار های ناپخر دانه بیشتری از خود بروز می دهد و آنگاه است که دیگر همه دچار بحران می شویم.

گیریم دولت ناتوان است، بی تدبیر است و به سیاست ها و اقدامات دولت انتقادات بسیار زیادی وارداست که هست. همه می دانیم دولت به بسیاری از وعده های خود عمل نکرده است. دولت روحانی به خود روی لیموزین بسیار شیک و گران قیمتی شبیه است که تنها در مسیر هموار و جاده آسفالت می تواند خوب براند و در همین شرایط هم روی کار آمد و قصد

داشت با مذاکرات هسته ای این مسیر را برای خود هموار نگاه دار دوشاید برای مسیر سنگلاخ کنونی که گرفتار آن شده است به کار نایب با این همه مردم به ویژه تمام کسانی که در انتخابات شرکت کردند و به دولت فعلی رای دادند نمی توانند از خود سلب مسئولیت کنند. مسئولیت ما مردم آن نیست دست روی دست بگذاریم تا دولت اقدامی بکند که در این صورت «تا که تریاق از عراق آورند ما گزیده مرده بود». کافی است ما مردم در صورت مشاهده هر اقدامی از سوی برخی شهروندان نظیر خرید بیش از اندازه نیاز، تخلف از قانون، تجاوز به حقوق دیگران بی تفاوت نباشیم و نگوئیم به ما چه مربوط؛ به همه ما مربوط است. باید اعتراض کنیم اجازه ندهیم افراد خاطی و قانون شکن که تعداشان زیاد هم نیست هر کار که می خواهند انجام دهند. باید تذکر داد، باید اعتراض کرد، نباید اجازه داد فردی چون قدرت خرید بالایی دارد به یکباره نیاز مصرفی چندماهه و بعضاً یکسال خود را در عرض یک ساعت خریداری کرده، آن را در خانه احتکار کند. تکلیف کارگران و بسیاری از کسانی که روزمزد هستند یا قدرت خرید بالایی ندارند و با حقوق کارمندی و معلمی و ... روزگاری گذرانند چه می شود؟ آنها چه گناهی کرده اند که به علت قدرت خرید پایین ناچارند روزانه خرید کنند؟ ممکن است بسیاری از ما احتکار خانگی نکنیم اما در صورت مشاهده این اقدام از سوی اندک شهروندان بی مبالا تا آگاه اگر اعتراض نکنیم به آنها کمک کرده ایم. می توان به طور خودجوش از کاسبان و صاحبان مغازه های محل تقاضا کرد به این حرکت بیویند و ضمن ممانعت از فروش بیش از اندازه به یک نفر با نصب پلاکار دو دست نوشته های مردمی زشتی احتکار خانگی را به آنها یادآوری کنند. در این شرایط که به یقین بسیاری برای نابودی ایران ندانان تیز کرده اند و در رسانه های خود مردم را به خرید و احتکار تشویق می کنند، مردم باید کمک کنند و هشیار باشند، نه این دولت و نه هیچ دولتی به تنهایی قادر به عبور از اینگونه مسائل نیست. زمانی رژیم بعثی به خیال تجزیه ایران بنا داشت از راه حمله نظامی یک هفته ای تهران را فتح کند. آن زمان جبهه های نبرد جولانگاه فرزندان ایران بود امروز جنگ همان جنگ است، اما جبهه های نبرد از مرزهای ایران به درون اذهان ما منتقل شده است که اتفاقاً این جنگ بسی خطرناکتر است. مراقب باشیم جنگ در این میدان را با ناپخر دی و بی تفاوتی نیازیم.